

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۸

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۳۸-۷

واکاوی روایت نبوی «آدم و رؤیت نام پیامبر خاتم بر عرش» و اعتبارسنجی آن در منابع فریقین*

پریسا عطایی نظری**

محمدعلی مهدوی راد***

◀ چکیده

دسته‌ای از روایات، سابقه آشنایی حضرت آدم با پیامبر خاتم را پیش از خلقت پیامبر اسلام و در عرش الهی دانسته‌اند. منابع فریقین روایتی از رسول اکرم ﷺ را گزارش کرده‌اند که برابر آن آدم، نام پیامبر خاتم را بر عرش دیده، والایی منزلت او را دریافته و برای پذیرش توبه‌اش به او متوسل شده است. کاوش در اعتبار و تبار این روایت مسئله نوشتار پیش روست. بدین منظور ابتدا مصدر، سند و متن روایت بر پایه روش‌های نقد حدیث در سنت اسلامی بررسی شده سپس از رهگذر بازشناسی راویان، بوم و صنف کنشگران فعال در نشر آن معرفی شده است. این روایت به‌رغم اعتبار نسبی مصادر، مورد توجه محدثان پسین قرار نگرفته و غالباً منابع مناقب‌گرا و اخبار‌گرا به نشر آن اهتمام داشته‌اند. انتساب روایت به پیامبر اکرم ﷺ به‌دلیل وجود راویان ضعیف و ناشناخته در طرق انتقال، کاربرد نگره متأخر کتابت نام پیامبر بر عرش و عدم پشتیبانی اخبار مؤید نیز تردیدبرانگیز است. خاستگاه روایت محفل حدیثی اهل سنت بوده و صوفیان مصر در ترویج آن نقش داشته‌اند. سپس از طریق کتاب ابن بابویه به منابع امامی راه یافته است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** کتابت نام پیامبر خاتم بر عرش، توسل آدم به پیامبر خاتم ﷺ، بوم حدیثی مصر، صوفیه، ابوالحارث فهری، نقد حدیث.

* این مقاله مستخرج از رساله است.

** دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران / p.ataei72@ut.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران، نویسنده مسئول / mahdavirad@ut.ac.ir

۱. مقدمه

مقایسه فضایل پیامبران با یکدیگر از موضوعات مهم در مطالعات ادیانی و اسلام پژوهی است. اگرچه آموزه تفضیل پیامبران دارای خاستگاهی قرآنی است (بقره: ۲۵۳؛ اسراء: ۲۱ و ۵۵)، قرآن کریم بر افضلیت پیامبری خاص تصریح ندارد. با وجود این، برخی برداشت‌های تفسیری در کنار روایات منسوب به پیامبر ﷺ، صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام بیانگر افضلیت پیامبر خاتم است. (راد، ۱۳۹۷ش، ص ۳۳-۳۵)

نگارش نام پیامبر خاتم بر عرش الهی نیز به سبب دلالت بر ازلیت نام پیامبر ﷺ در جایگاهی متعالی، از گونه روایات فضایل نبوی به شمار می‌رود. تراث روایی مسلمین، نگارش نام پیامبر اکرم بر عرش را در گونه‌های نگارش نام پیامبر،^۱ نام پیامبر و علی علیه‌السلام (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۱۵)، نام پیامبر و خلفای راشدین (خلال، بی تا، ج ۱، ص ۶۰)، نام پیامبر در زمره پنج تن آل کساء (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۸) و نام پیامبر در کنار ائمه دوازده گانه شیعه (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۶۲) و به نقل از پیامبر اکرم ﷺ، برخی صحابه، تابعان و ائمه گزارش کرده‌اند. (رساله نگارنده)

از میان این روایات، منابع فریقین روایتی منتسب به پیامبر اکرم را نقل کرده‌اند که از آشنایی آدم با پیامبر خاتم به واسطه مشاهده نام ایشان بر عرش و توسل به او برای پذیرش توبه اش خبر می‌دهد: «حدثنا محمد بن داود بن أسلم الصدفی المصری حدثنا أحمد بن سعید المدنی الفهری حدثنا عبد الله بن إسماعیل المدنی عن عبد الرحمن بن زید بن أسلم عن أبيه عن جده عن عمر بن الخطاب قال قال رسول الله ﷺ لما أذنب آدم ﷺ الذنب الذي أذنبه رفع رأسه إلى العرش فقال أسألك حق محمد ألا غفرت لي فأوحى الله إليه و ما محمد و من محمد فقال تبارك اسمك لما خلقتني رفعت رأسي إلى عرشك فإذا هو مكتوب لا إله إلا الله محمد رسول الله فعلمت أنه ليس أحد أعظم عندك قدرا ممن جعلت اسمه مع اسمك فأوحى الله عز وجل إليه يا آدم إنه آخر النبيين من ذريتك و إن أمته آخر الأمم من ذريتك و لولاه يا آدم ما خلقتك.» (طبرانی، بی تا، ج ۲، ص ۸۳؛ راوندی [الف]، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱) متن روایت با قرین سازی نام پیامبر با یکتایی و نام خداوند و دلالت بر ازلیت نام و رسالت پیامبر و توسل آدم بدو از افضلیت پیامبر خاتم بر آدم نیز حکایت می‌کند.

این روایت در منابع حدیثی، کلامی، تفسیری، تاریخی و عرفانی مورد توجه قرار گرفته و عالمان اسلامی از منظر تفسیری و کلامی بدان نگریسته‌اند؛ چنان‌که در تفسیر آیات توبه آدم و مباحث گوناگون کلامی چون فضایل نبوی و افضلیت پیامبر اکرم (خرگوشی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۲۲ و ج ۶، ص ۲۸۴؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۳؛ شرف‌الدین، ۱۴۳۱ق، ج ۵، ص ۲۳۷)، توسل^۲، خاتمت (نقوی قاینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۱؛ سبحانی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۶۴)، شفاعت (اسماعیلی یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۱۹؛ خطیب الشربینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱۲) و اثبات نبوت پیامبر ﷺ (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۹۱؛ دیار بکری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶) بدان استناد شده است. وانگهی با توجه به حضور روایت در منابع فریقین از مشهورترین دلایل نقلی جواز توسل در جدال با نافیان آن به شمار می‌رود.

با وجود این، روایت نام‌برده در دو سویه تصحیح و تضعیف قرار گرفته و گاه در قلمرو روایات موضوعه جانمایی شده است. (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ص ۹۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۵۰۴؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۶۰؛ ابن عراق کنانی، بی‌تا، ص ۷۶؛ ابو‌عزیز، بی‌تا، ص ۱۰۳؛ ابن‌عبدالوهاب، ۱۹۹۹م، ص ۱۹۵؛ ابن‌باز، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۳۲۷؛ البانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۸؛ ابن‌نغوی، بی‌تا، ص ۴۲۲، رشیدرضا، ۱۳۵۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱۱؛ آل‌الشیخ، ۲۰۰۹م، ص ۲۵؛ نخبة من العلماء، ۱۴۲۱ق، ص ۵۲، رفاعی، ۱۳۹۹ق، ص ۲۲۵؛ دمشقیه، بی‌تا، ص ۳۹۵) ضعف جدی عبدالرحمن بن زید (ابو‌عزیز، بی‌تا، ص ۱۰۳؛ ابن تیمیه، ۱۳۹۰ق، ص ۸۵-۸۴؛ ابن‌عبدالهادی، بی‌تا، ص ۶۱؛ دمشقیه، بی‌تا، ص ۳۹۶؛ رشیدرضا، ۱۳۵۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱۳؛ خفاجی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۲۴؛ سیوطی، ۱۴۰۸ق، ص ۹۴) و ناسازگاری مفاد روایت با برخی آیات قرآن (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ص ۹۷؛ ابن‌باز، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۳۲۸) به عنوان مهم‌ترین و پربسامدترین دلیل ضعف یا موضوعه‌انگاری روایت بیان شده (رفاعی، ۱۳۹۹ق، ص ۲۲۵-۲۲۹؛ ابن‌عبدالوهاب، ۱۹۹۹م، ص ۱۹۵-۱۹۶؛ ابن‌نغوی، بی‌تا، ص ۴۲۲، آل‌الشیخ، ۲۰۰۹م، ص ۲۶-۲۹) و در مقابل هماهنگی توسل آدم با مفاد آیات (صادقی تهرانی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۲۸۹-۲۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹)، اتکاء به تصحیح حاکم نیشابوری (حسینی میلانی، ۱۳۸۹ش، ج ۶، ص ۳۶-۳۹؛ سبحانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۲۱؛

سبکی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۹۷؛ امین، ۱۳۸۲ق، ص ۲۴۶؛ حصنی دمشقی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۸؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۹۳، ابن حجر المکی، ۲۰۰۰م، ص ۱۰۹؛ قضاعی العزازی، بی تا، ص ۱۱۷؛ مالکی، ۴۳۰ق، ص ۱۲۱؛ حسینی، بی تا، ص ۲۴۰؛ بخیت الحنفی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۳۴) و برخی علمای اهل سنت (مالکی، ۴۳۰ق، ص ۱۲۲)، نقل محدثان (سبحانی، بی تا، ج ۴، ص ۴۲۱-۴۲۲)، عدم مخالفت با عقل و شرع (سبکی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۹۷) در کنار وجود شواهد روایی (ممدوح، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۶-۲۰۰؛ حصنی دمشقی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۸، سبحانی، ۱۳۶۴ش، ص ۱۵۷؛ مالکی، ۴۳۰ق، ص ۱۲۴-۱۲۸) از مهم ترین دلایل پذیرندگان صحت روایت به شمار می رود.

تعارض آراء علما و استناد به این روایت در مباحث اعتقادی متعدد اهمیت سنجش صحت انتساب روایت به پیامبر اکرم ﷺ و تبارشناسی اسانید آن در جوامع روایی را یادآور می شود. از این رو اعتبارسنجی و تبارشناسی این روایت با هدف پاسخ به پرسش های ذیل، مسئله نوشتار حاضر گردید: ۱. میزان اعتبار مصدر، سند و متن این روایت چگونه است؟ ۲. مهد شکل گیری و رواج آن در کدام بوم های حدیثی بوده است؟ بدین منظور، روش های اعتبارسنجی در دانش نقد الحدیث را به کار گرفته و از تحلیل داده های به دست آمده درباره منابع و راویان، بوم تداول آن را شناسایی کرده ایم.^۳

چنان که گفته آمد، برخی محققان به ویژه حامیان و نافیان جواز توسل به تصحیح یا تضعیف این روایت پرداخته اند. اما درنگ در برخی دلایل آنها، تأثیر پیش فرض های کلامی در فهم و نقد این روایت را نشان می دهد. برای نمونه هر دو گروه محتوای روایت را به سنجۀ قرآن سپرده اند، سپس نافیان جواز توسل روایت را معارض با آیات قرآن دانسته و در مقابل حامیان جواز توسل مفاد روایت را سازگار با قرآن خوانده اند. از این رو نوشتار حاضر نگاهی نقادانه به آثار نام برده داشته و ضمن تأیید یا نقد برخی دلایل یاد شده، کوشیده است متن روایت را با رویکردی تاریخی ارزیابی کند و عنصر متنی متمایزی را مورد توجه قرار دهد. گذشته از آثار پیش گفته که ضمن بحث از توسل به نقد موردی روایت پرداخته اند - در حد جست و جوی

نگارنده - پژوهشی مستقل درباره روایت نام برده دیده نمی شود. وانگهی وجه تمایز و نوآمدی نوشتار حاضر را می توان در سنجش اعتبار این روایت در ابعاد سه گانه مصدر، سند و متن، تبارشناسی اسانید آن و تبیین نحوه حضور آن در برخی جوامع روایی امامی دانست.^۴

۲. مصادر؛ سیر انتقال و اعتبار روایت

روایت آدم و رؤیت نام پیامبر خاتم بر عرش ﷺ در منابع سنی به دو گونه منسوب به پیامبر (= مرفوع در اصطلاح اهل سنت) و منسوب به عمر (موقوف) و در امامیه به صورت مرفوع - با اندکی اختلاف - گزارش شده است؛ کهن ترین منبع سنی گونه مرفوع روایت، المعجم الاوسط (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۳۱۴) و المعجم الصغیر طبرانی (د. ۳۶۰) است. در میان آثار متقدم، مستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵) (۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۷۲)، شرف المصطفی خرگوشی (د. ۴۰۶) (۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۶۵)، دلائل النبوة بیهقی (د. ۴۵۸) (۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۸۹) و امالی ابومطیع مصری (د. ۴۹۷) (بی تا، ج ۱، ص ۵) گزارشگر این روایت بوده اند. تنها منبع نقل گونه موقوف نیز الشریعه آجری (د. ۳۶۰) (۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۴۱۵) است. بر پایه اصل زیادت ثقه و تعدد گونه های مرفوع، در این نوشتار حالت مرفوع روایت را مبنای اعتبارسنجی قرار می دهیم؛ هرچند از گزارش آجری به مثابه قرینه ای در تحلیل اسانید بهره خواهیم برد.

در منابع امامیه نیز این روایت نخستین بار در کتاب النبوة ابن بابویه (د. ۳۸۱) (۱۳۸۱ش، ص ۳۳) گزارش شده و از آن به قصص الانبیاء راوندی (د. ۵۷۳) (۱۴۰۹ق [الف]، ص ۵۱) انتقال یافته سپس فقره ای از آن در اثبات الهداة حر عاملی (د. ۱۱۰۴) (۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۲۷) و صورت کامل آن در بحار الانوار مجلسی (د. ۱۱۱۰) (۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۱۸۱ و ج ۱۶، ص ۳۶۷) بازتابیده است.

۲-۱. معاجم طبرانی

اعتبار مصادر روایی بر پایه عواملی چون شخصیت علمی مؤلف، شهرت و مقبولیت نزد علمای ادوار مختلف و صحت انتساب اثر سنجیده می شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۶۱-۲۶۷) از این منظر دو معجم طبرانی از اعتبار نسبی برخوردار است؛

رجال‌نگاران اهل سنت، طبرانی را ثقه، صدوق (ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۱۷)، حافظ، ثبت (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۷۳)، برخوردار از علم گسترده و تألیفات بسیار دانسته‌اند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۱، ص ۹۱) اگر چه محدثانی وی را به سبب خطاهایی در نام شیخ حدیثی و طریق روایات، «لین» خوانده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۳۲) در مقابل شماری دیگر به توجیه یا نفی خطاهای موردی او اهتمام داشته‌اند. (ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۱۶) به نظر می‌رسد بسامد و خبرویت توثیق‌کنندگان طبرانی می‌تواند راهی به تعدیل وی بگشاید. (رضوان صالح، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۱)

انتساب معاجم به طبرانی نیز قابل پذیرش است؛ از معاجم پیوسته در آثار شاگردان طبرانی (ابن منده، بی‌تا، ص ۱۹؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۴۰ و ج ۳، ص ۱۳۶)، حدیث پژوهان (نمونه: ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۶۷ و ج ۲۱، ص ۱۳؛ مقدسی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۱) و تراجم‌نگاران (صفدی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۷۸؛ ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۹ و ۴۶۵) یاد شده و گزارش سماع و قرائت معجم الصغیر از طبقه شاگردان طبرانی به بعد در کتب تراجم دیده می‌شود. (سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۰، ص ۲۴۳ و ج ۱۳، ص ۲۴۲؛ سبکی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۵) هر چند کهن‌ترین نسخه المعجم الاوسط متعلق به ۶۲۵ هجری (سزگین، ۱۴۱۲ق، قسم ۱، ج ۱، ص ۳۹۴) است، وجود روایت در المعجم الصغیر که دارای نسخ متعدد و دارای سند متصل تا شاگرد طبرانی بوده (رضوان صالح، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۸-۱۸۹) می‌تواند اعتمادآفرین باشد.

۲-۲. کتاب النبوة

رجال‌نگاران ابن بابویه را وجه الطائفة، فقیه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۸۹)، جلیل، حافظ احادیث، بصیر به رجال، ناقد اخبار و بی‌بدیل در حفظ و کثرت علم در میان قمی‌ها (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۴۲) معرفی کرده که نشان از وثاقت وی دارد. (محمدجعفری و دیگران، ۱۳۹۶ش، ص ۱۶۲-۱۶۵) نظر به یادکرد فهرست‌نگاران از کتاب النبوة (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۸۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۱۱۲)، ارجاع مکرر ابن بابویه بدان در آثارش (برای نمونه: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶۷؛ همو، ۱۳۹۸ق، ص ۲۸۸ و ۳۱۶؛ همو، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۱۲ و ۳۲۰) و اشارات مؤلفان سده‌های میانه (برای نمونه: راوندی، ۱۴۰۹ق [ب]، ج ۲، ص ۵۵۲؛ ابن شهر آشوب،

۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۶۲)، انتساب کتاب النبوة به ابن بابویه ثابت است. نقل از این کتاب در اثری اسماعیلی از سده پنجم هجری (قزوینی، ۱۳۶۳ش، ج ۸، ص ۱۱۶) نیز بر اهمیت و رواج آن در میان محافل غیرامامی دلالت دارد. (انصاری، ۱۳۹۵ش، ص ۳۳۳) اگرچه کتاب النبوة از آثار مفقود ابن بابویه است و اکنون نسخه‌ای از آن دستیاب نیست، بر پایه قواعد بازیابی و جمع‌قراین می‌توان به تخریح قطب‌الدین راوندی از آن اعتماد جست. (موسوی بروجردی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۸-۲۴) راوندی نیز طرق پرشمار و متصل به ابن بابویه داشته و مشایخ اجازه متعددی از قصص الانبیاء نام برده و با طریق متصل آن را روایت کرده‌اند. (همان، ص ۷۴-۷۵)

۲-۳. ارزیابی مصادر

دو معجم صغیر و اوسط طبرانی و کتاب النبوة ابن بابویه مصادر سنی و امامی روایت هستند که هر سه از آثار شناخته‌شده و متداول عصر خود بوده و از معیارهای حداقلی اعتبار مصدر برخوردارند. تلاش بر انتقال و نشر این روایت در میان محدثان اهل سنت، بیشتر در منابع فرعی و مناقب‌گرا دیده می‌شود. در میان امامیه نیز سیر انتقال صرفاً معطوف به قصص الانبیاء راوندی و برخی جوامع اخبار‌گرای متأخر بوده و به‌رغم رواج مناقب‌نگاری در سده‌های میانی (غلامعلی، ۱۳۹۱ش، ج ۲، ص ۳۱۷) نظر جامع‌نگاران و مناقب‌نویسان را جلب نکرده است. رویکرد محدثان پسین در نشر این روایت به‌رغم اعتبار مصادر آن قابل تأمل می‌نماید. به نظر می‌رسد علت این بی‌توجهی در منابع امامیه، خاستگاه سنی روایت باشد؛ چنان‌که تعدد نقل در منابع اهل سنت، تفرد نقل ابن بابویه در منابع امامی، یکسانی محتوا و برخی عبارات در کنار ناسازگاری با مجموعه روایات شیعی (مؤدب و ستار، ۱۳۹۳ش، ص ۲۲۰-۲۲۴) به دلیل حصر توسل آدم عليه السلام به پیامبر صلى الله عليه وآله از نشانه‌های انتقال روایت از منابع سنی به امامی توسط ابن بابویه به شمار می‌رود.

۳. اسناد

روایت مزبور در دو معجم طبرانی، الشریعه، النبوة و مستدرک حاکم با چهار طریق ذیل و اشتراک همگی در عبدالرحمن بن زید و اشتراک برخی طرق در ابوالحارث

فهری بیان شده است. در نگاه آغازین به نظر می‌رسد عبدالرحمن بن زید حلقه مشترک اصلی و ابوالحارث الفهری حلقه مشترک فرعی روایت باشد. پس از ترسیم شبکه اسناد به اعتبارسنجی روایان اسانید مرفوع بر پایه مبانی رجالی فریقین می‌پردازیم. ابتدا رجال بخش متفاوت اسناد و سپس طریق عبدالرحمن بن زید را بررسی می‌کنیم.

- سند طبرانی: حدثنا محمد بن داوود بن أسلم الصدفی المصری حدثنا أحمد بن سعید المدنی الفهری حدثنا عبدالله بن إسماعیل المدنی عن عبدالرحمن بن زید بن أسلم عن أبيه عن جده عن عمر بن الخطاب (رض) قال قال رسول الله...
- سند ابن بابویه: أخبرنا أبو أحمد هانی بن محمد بن محمود العبدی أخبرنا أبی أخبرنا محمد بن أحمد بن بطة أخبرنا أبو محمد بن عبد الوهاب بن مخلد أخبرنا أبو الحارث الفهری أخبرنا عبدالله بن إسماعیل أخبرنا عبدالرحمن بن أبی زید بن أسلم عن أبيه عن جده عن عمر بن الخطاب قال قال رسول الله...
- سند حاکم: حدثنا أبو سعید عمرو بن محمد بن منصور العدل حدثنا أبو الحسن محمد بن إسحاق بن إبراهيم الحنظلی حدثنا أبو الحارث عبدالله بن مسلم الفهری حدثنا إسماعیل بن مسلمة أنبأ عبدالرحمن بن زید بن أسلم عن أبيه عن جده عن عمر بن الخطاب (رض) قال قال رسول الله...
- سند آجری: حدثنا أبو بکر بن أبی داوود قال حدثنا أبو الحارث الفهری قال أخبرني سعید بن عمرو قال حدثنا (أبو) عبدالرحمن [بن] عبدالله بن إسماعیل بن بنت أبی مریم قال حدثني عبدالرحمن بن زید بن أسلم عن أبيه عن جده عن عمر بن الخطاب...

با پیامبر دیدار داشته و پس از فتح مصر بدانجا مهاجرت کرده است. (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۲۰)

– **عبدالله بن اسماعیل مدنی:** عبدالله بن اسماعیل مشترک میان چندین راوی است که هیچ یک مدنی نیستند (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱ق، ج ۵، ص ۳-۴) و قرینه دیگری بر تطابق آنان با راوی مورد بحث به دست نیامد. نظر به تفرد نقل احمد بن سعید از عبدالله بن اسماعیل دور نیست اسامی پدر و فرزند جابه جا شده و راوی مورد نظر اسماعیل بن عبدالله بن ابی اویس المدنی باشد؛ چنان که اشتراک در طبقه و مدنی بودن و گزارش نقل ابن ابی اویس از عبدالرحمن بن زید (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۲۴-۱۲۶) در کنار نقل ابوالحارث احمد بن سعید از او (ابن منده، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۲) می تواند مؤید این احتمال باشد. ابن ابی اویس نیز از منظر غالب رجالیان ضعیف، دروغ گو، دزد حدیث و غیر قابل اعتماد بوده (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۲۷-۱۲۹) و خود به جعل احادیثی برای اهل مدینه اقرار کرده است. (ابن حجر، ۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۲)

۲-۳. ارزیابی سند ابن بابویه تا عبدالرحمن بن زید

نظر به این همانی شیخ ابوالحارث در سند طبرانی و ابن بابویه، به نظر می رسد ابوالحارث فهری در سند ابن بابویه همان احمد بن سعید باشد. روایان بعدی نیز با سند طبرانی مشترک هستند. از این رو به بازشناسی چهار راوی نخست سند می پردازیم.

– **ابو احمد هانی بن محمد بن محمود العبیدی:** صرفاً در منابع رجالی شیعه، برخی رجالیان متأخر امامی از او نام برده؛ بعضی وی را مجهول خوانده (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۵۲۸)، شماری بر پایه ترضی ابن بابویه (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۸۰) به توثیق او پرداخته (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۲۹۰؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۳۹) و برخی عامی بودن او را احتمال داده اند. (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۴۹۵)

– **محمد بن محمود العبیدی:** تنها در منابع رجالی متأخر امامیه به نقل های ابن بابویه از او به واسطه فرزندش اشاره شده است. (همان، ج ۹، ص ۵۵۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۱۸)

– **محمد بن احمد بن بطه:** رجال نویسان شیعی از او نام نبرده اند. بنا بر منابع اهل سنت، وی ابو عبدالله محمد بن احمد بن بطه از محدثان اصفهان (اصفهانی، ۱۹۳۴م، ج ۲،

ص ۲۸۲) و از مشایخ طبرانی (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۶۰) و حاکم نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ص ۱۷۳) بوده و مدتی در نیشابور اقامت داشته است. (سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۶۳)

– ابو محمد بن عبدالوهاب بن مخلد: رجال نگاران از او یاد نکرده و نام او در دیگر اسناد دیده نمی شود.

۳-۳. ارزیابی سند حاکم تا عبدالرحمن بن زید

– ابوسعید عمرو بن محمد بن منصور العدل: از مشایخ نیشابوری حاکم (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ص ۱۷۲) و شاگرد خاص ابن خزیمه بوده است. (سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۳۴۴) رجال نگاران او را زاهد، معدل و از ابدال معرفی کرده اند. (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۲۵، ص ۲۸۳)

– ابوالحسن محمد بن اسحاق بن ابراهیم الحنظلی: از محدثان نیشابور که به خراسان، عراق، حجاز، شام و مصر (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۵۹) سفر کرده است. رجالیان او را ثقه (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۶۵)، عالم به فقه و مستقیم الحدیث خوانده اند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۶۰)

– ابوالحارث عبدالله بن مسلم الفهری: رجالیان به معرفی او نپرداخته اند. ابن حجر صرفاً بنا بر همسانی طبقه، احتمال این همانی وی با عبدالله بن مسلم بن رشید – از محدثان جاعل نیشابور (ابن حبان، بی تا، ج ۲، ص ۴۴) – را مطرح کرده است. (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۵۹) به نظر می رسد صرف اشتراک طبقه برای اثبات اتحاد راویان کافی نباشد به ویژه که بیهقی هنگام نقل این روایت، به مصری بودن ابوالحارث تصریح داشته است. به گزارش بیهقی، ابوالحسن او را از خویشان ابو عبیده بن جراح معرفی کرده است. (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۸۸) با وجود تفاوت نام ابوالحارث فهری در دو سند طبرانی و حاکم، نظر به تفرد نقل عبدالله بن مسلم و عدم یاد او در سایر اسانید بعید نیست ابوالحارث در این سند همان احمد بن سعید و منشأ اختلاف نام‌ها، اجتهاد ابوالحسن بوده باشد. در این صورت حلقه مشترک اصلی اسانید احمد بن سعید فهری است.

– اسماعیل بن مسلمة: وی اسماعیل بن مسلمة بن قعنب اهل مدینه و ساکن مصر

است. رجال شناسان وی را ثقه، صدوق و از زهاد دانسته‌اند. (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۰۹)

۴-۳. اعتبارسنجی عبدالرحمن بن زید و طریق او

شیخ طوسی از عبدالرحمن بن زید در میان شاگردان امام صادق علیه السلام نام برده (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۳۶) و برخی روایات او در جوامع حدیثی امامی بازتابیده است. (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۵۰۴؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۶۰۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۰) رجال شناسان اهل سنت به اتفاق وی را ضعیف (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۱۱۷-۱۱۸)، متهم به تصرف در حدیث و رفاع دانسته‌اند. (ابن حبان، بی تا، ج ۲، ص ۵۷) او دچار سوء حفظ در اسانید و عدم تخصص صدر تحدیث و از اهل عبادت، موعظه و زهد بوده است (ابن خزیمه، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۳۳) چنان‌که عموم اهل مدینه به احادیث وی اعتمادی نداشتند. (عقیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۳۱) عبدالرحمن روایاتی که سایر روایان به صورت مرسل، موقوف یا مقطوع نقل کرده‌اند به صورت مسند روایت کرده (ابن حنبل، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۰ و ج ۲، ص ۱۳۶؛ دارقطنی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۶۶-۲۶۷) و گاه روایاتی را با طریقی متمایز از طریق جملگی محدثان با واسطه پدرش نقل می‌کند. (ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۵ و ص ۱۳۲). از این رو رجالیان طریق وی از پدرش را معتبر ندانسته (ابن حبان، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۲ و ج ۲، ص ۳۷ و ۲۶۸) و محدثانی چون حاکم نیشابوری و ابونعیم اصفهانی به بساختگی احادیثی با این طریق تصریح داشته‌اند. (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۶۲) وانگهی خاندان عبدالرحمن از موالیان عمر بودند (ابن حبان، بی تا، ج ۲، ص ۵۸) و این پیوند، اتصال روایات او به عمر و پسرش را می‌تواند توجیه کند. بنابراین، هر چند پدر (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۱۷) و جد او (همان، ج ۲، ص ۵۳۰) ثقه بوده‌اند، طریق وی در انتقال این روایت قابل اعتماد نیست.

۵-۳. ارزیابی اسانید

بازشناسی روایان هر سه طریق این روایت نشان‌دهنده ضعف جملگی اسانید بر مبنای رجالیان متأخر است؛ وجود دو راوی ناشناخته، یک راوی مردد میان ضعف یا ناشناختگی و یک راوی ضعیف در طریق طبرانی نشانگر ضعف طریق اوست. طریق ابن بابویه نیز در بردارنده پنج راوی مجهول، یک راوی مردد میان ناشناختگی و ضعف

یک راوی ضعیف است که به تضعیف سند می‌انجامد. نشانه ضعیف طریق حاکم هم، حضور یک راوی مجهول یا واضح و یک راوی ضعیف است. وانگهی تصحیح طریق توسط حاکم نمی‌تواند دلیل اعتبار آن قرار گیرد چراکه شواهد نشان‌دهنده سهل‌انگاری حاکم در تصحیح احادیث المستدرک است. (سلطانیان و دیگران، ۱۳۹۸ش، ص ۱۲۱-۱۲۵) از طرفی رجال پژوهان انتساب‌های نادرست عبدالرحمن به پیامبر را تذکر داده و محدثان به طریق او از پدرش به عمر اعتماد نداشته‌اند. از این رو، به طریق عبدالرحمن نمی‌توان اطمینان داشت و بحث درباره ترجیح گونه مرفوع یا موقوف نیز متفی می‌شود.

۴. اعتبارسنجی متن روایت

سازگاری گفتمان‌ها و نگره‌های موجود در متن روایت با زمان صدور آن، از موارد نقد تاریخی متن است. برابر متن روایت، پیامبر مخاطبان عصر خود را از چگونگی توبه آدم علیه السلام می‌آگاهاند. به فرموده وی، آدم با منزلت نبی اکرم به سبب مشاهده نام ایشان بر عرش آشنا شده و هنگام توبه به او متوسل می‌شود. گفتمان حاکم بر متن، گفتمان تفضیل انبیا و افضلیت پیامبر خاتم است که با زمانه وی سازگار است. (راد، ۱۳۹۷ش، ص ۲۶ و ۳۵) لکن واکاوی آشنایی مخاطبان پیامبر با سایر مفاهیم به‌کاررفته در متن نیز بایسته است. نگره کتابت نام پیامبر بر عرش نیز از مفاهیم به‌کاررفته در راستای القای افضلیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که شهرت و رواج آن در زمانه پیامبر را می‌سنجیم. همچنین به‌منظور یافتن قراینی بر صحت یا عدم صحت انتساب متن روایت به پیامبر صلی الله علیه و آله، داده‌های مشابه لفظی و مضمونی روایت حاضر را از تراث اسلامی استخراج و بررسی می‌کنیم تا دریابیم روایات موجود تا چه میزان این روایت را پشتیبانی می‌کنند؛ زیرا تکرار یک مضمون در روایات متفاوت اعتماد به صدور آن را افزایش می‌دهد.

۴-۱. رواج نگره کتابت نام پیامبر بر عرش در زمانه نبوی

در تراث اسلامی روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله با مضمون حک‌شدگی نام ایشان بر عرش، به صورت‌های کتابت نام پیامبر، نام پیامبر و علی علیه السلام (نمونه: کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۱۵)، نام پیامبر و خلفای راشدین (نمونه: ختلی، ۱۹۹۴م، ص ۴۵؛ خلال، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰)، نام پیامبر در قالب پنج تن آل کساء (نمونه: ابن‌بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۸؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۰۴) و نام پیامبر و ائمه دوازده‌گانه (نمونه:

ابن عقده، بی تا، ص ۱۶۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۶۲) دیده می شود. اگرچه همگی در نگارش نام پیامبر بر عرش مشترک اند، به دلیل حصر نام پیامبر ﷺ در روایت عمر، تنها روایات درج نام ایشان بر عرش را بررسی می کنیم. هرچند بازبینی یکی از گونه ها، مانع اظهار نظر فراگیر است، در ایجاد تردید یا اعتماد نسبی به روایات همسازتر با روایت حاضر نقش آفرین است.

۴-۱-۱. اعتبارسنجی روایات منسوب به پیامبر ﷺ

هفت روایت منسوب به پیامبر حاکمی کتابت نام ایشان بر عرش است که آن ها را به ترتیب قدمت منابع می سنجمیم.

۴-۱-۱-۱. روایت انس بن مالک

برابر این روایت، خداوند در معرفی محمد ﷺ به موسی ﷺ، کرامت درج نام وی بر عرش را یادآور می شود: «ثنا أبو الرب أيوب الجنائزي ثنا سعيد بن موسى حدثنا رباح بن زيد عن معمر عن الزهري عن أنس قال قال رسول الله إن موسى بن عمران كان يمشي ذات يوم في طريق فناده الجبار تبارك وتعالى يا موسى فالتفت يمينا وشمالا فلم ير أحدا ثم ناداه الثانية يا موسى بن عمران فالتفت يمينا وشمالا فلم ير أحدا فارتعدت فرائصه ثم نودي الثالثة يا موسى بن عمران إني أنا الله لا إله إلا أنا ... يا موسى إرحم ترحم يا موسى كما تدین تدان يا موسى نبيء بني إسرائيل أنه من لقيني و هو جاحد لمحمد أدخلته النار ولو كان خليلي إبراهيم و موسى كلمي فقال إلهي و من أحمد فقال يا موسى و عزتي و جلالی ما خلقت خلقا أكرم على منه كتبت اسمه مع اسمي في العرش قبل أن أخلق السموات و الأرض و الشمس و القمر بألفي ألف سنة و عزتي و جلالی أن الجنة لمحرمة على جميع خلقي حتى يدخلها محمد وأمه قال موسى ومن أمة أحمد قال أمته الحمادون يحمدون صعودا وهبوطا وعلى كل حال يشدون أوساطهم ويطهرون أطرافهم صائمون بالنهار رهبان بالليل أقبل منهم اليسير وأدخلهم الجنة بشهادة أن لا إله إلا الله...» (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰ق، ص ۳۰۵-۳۰۶)

این روایت نخستین بار در السنة ابن ابی عاصم (د. ۲۸۷) بیان شده و پس از نقل ابونعیم (اصفهانى، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۶) مورد توجه محدثان نبوده و نقد برخی حدیث پژوهان را برانگیخته است. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن عراق کنانی، بی تا، ص ۲۴۴) هرچند

در برخی تفاسیر عرفانی (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۶۶۷؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۶، ص ۴۱۰)، آثار اخبارگرا (ابن الفضل التیمی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۸۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۱۷) و خصائص النبی (قسطلانی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۷۰۹) از آن یاد شده است. گذشته از تفرد نقل ابن شهاب زهری و ضعف شماری از راویان (اصفهانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۶؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۹۴)، مفاد فضیلت سرای آن برای پیامبر خاتم و امت او در تقابل با موسی علیه السلام و امتش تردیدبرانگیز است؛ چه در اوان نبوت موسی، عدم انکار پیامبر اکرم به بنی اسرائیل گوشزد و بر افضلیت محمد بر ابراهیم و موسی علیه السلام تأکید شده است. چنان که انتساب عبارات «ارحم ترحم» و «کما تدین تدان» به حکمای پیشااسلامی (ابن مقفع، بی تا، ص ۲۰۵؛ ابن عبد ربه، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۴) و احتمال خاستگاه زرتشتی «کما تدین تدان» و آشنایی با آن به واسطه نهضت ترجمه (سبزیان پور، ۱۳۸۵ش، ص ۱۰۴) صدور نبوی این روایت را به چالش می کشد.

۴-۱-۲. روایت علی بن ابی طالب علیه السلام

در این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله از نگارش نام و رسالتش بر عرش به امام علی علیه السلام خبر می دهد: «نا أبوحنيفة ثنا محمد بن موسى الحرشي ثنا عاصم بن سليمان العبدی أبو محمد وکان اتی علیه مائة سنة ثنا السدی عن أبيه عن أبي اراكة عن علی قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله یا علی فی العرش مكتوب انا الله محمد رسولی.» (صواف، بی تا، ص ۷۵)

این روایت تنها در *فوائد ابی علی الصواف* (د. ۳۵۹) محدث ثقه و مأمون بغداد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۳۳۷) بیان شده و پس از شش قرن غیبت در *جامع الاحادیث سیوطی* (بی تا، ج ۹، ص ۱۸۴) از آن یاد می شود. تفرد مطلق و عدم استقبال جوامع حدیثی به ویژه آثار مناقب گرا پرسش برانگیز است. وانگهی عاصم بن سلیمان العبدی مشهور به کوزی ضعیف الحدیث، متروک الحدیث (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱ق، ج ۶، ص ۳۴۴)، واضع و کذاب معرفی شده که احادیثی بی اساس را به پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه نسبت می دهد. (عقیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۳۷) ابن عدی این روایت را در میان روایات بی بنیاد وی یاد کرده و آن را از متفردات عاصم می داند. (همان، ص ۲۳۸) اگرچه نجاشی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام و ثقه می خواند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۱)، قرائن حاکی از عامی بودن اوست و توثیق منفرد نجاشی در برابر

اتفاق رجال نگاران اهل سنت بر کذابیت وی قابل اعتنا نیست (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۶۰۱)؛ به ویژه که شواهد تضعیف وی ناظر به نقل فضایل اهل بیت (ع) نیست.

۳-۱-۴. روایت ابوهریره

پیامبر (ص) از صندوقی پیشاروی عرش الهی سخن می گوید که بر چهار گوشه آن «لا إله إلا الله محمد رسول الله» نقش بسته است: «إن أبا هريرة حدثني عن النبي (ص) قال: «إن لله تبارك و تعالی صندوقا مربعا قدام العرش من لؤلؤة بيضاء طوله مسيرة خمسمائة عام و عرضه مثل ذلك مضروبا بكواكب درية كل كوكب منها مسيرة سنة مكتوب على ترابيعه: لا إله إلا الله محمد رسول الله... و عليه قفل من نور في طول مسيرة ثلاثمائة عام و له مفتاح في طول مسيرة مائة عام فيه أربعة أشياء ممزوجة بأربعة، لا يعطى ذلك أجمع إلا الأنبياء و الأولياء: الحكمة ممزوجة بالجوع، و الورع ممزوجة بالمحبة، و البلاء ممزوج بالرضا، و الحزن ممزوج بالشوق.» (ابوطالب مکی، ۱۴۲۴ق، ص ۳۲)

این روایت تنها در علم القلوب منسوب به ابوطالب مکی (د. ۳۸۶) نقل شده و در آثار پسین بازگو نشده است. انتساب علم القلوب به مکی ثابت نیست. هر چند نشانه های متنی اثر گواه بر تألیف آن توسط صوفیه سده چهارم است. (مجتبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ص ۶۳۱) مبانی متساهلانه صوفیان در تحدیث (ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۷)، ارسال سند، تفرد مطلق روایت، شخصیت ابوهریره، بیان اسطوری و داستان پردازانه روایت با نظر داشت همگرایی میان قصاص و متصوفه (میرحسینی، ۱۳۹۴ش، ص ۶۵) به انضمام کاربست مفاهیم و ادبیات رایج در تصوف چون پیوند حکمت و گرسنگی (نمونه: ابوطالب مکی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵ و ۴۱؛ خرگوشی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۵ و ۱۵۰)، ورع و محبت (نمونه: سلمی، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ابن الملقن، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۶)، بلاء و رضا (نمونه: بغدادی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۳۷؛ ابوطالب مکی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۷۴)، حزن و شوق (نمونه: اصفهانی، بی تا، ج ۹، ص ۳۴۲؛ بقلی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۷۷) از جمله دلایل تردید بر صدور نبوی روایت است.

۴-۱-۴. دعای جبرئیل

برابر مقدمه دعا، جبرئیل آن را به پیامبر (ص) یاد داده است: «اللهم إني أسألك باسمك الذي إذا ذكرت به تزعزعت منه السماوات و انشقت منه الأرضون و تقطعت منه السحاب و

تصدعت منه الجبال و جرت منه الرياح و انتقصت منه البحار و اضطربت منه الأمواج... بالاسم الذى هو مكتوب فى راحة ملك الموت الذى إذا نظرت إليه الأرواح تطايرت و بالاسم الذى هو مكتوب على سرادق عرشه من نور لا إله إلا الله محمد رسول الله...» (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۸۴)

مصدر این دعا، مهج الدعوات سید بن طاووس (د. ۶۶۴) است. به گفته وی، در سال ۵۰۶ق آن را در کتابی قدیمی با تاریخ کتابت بیش از دویست سال یافته است. ابن طاووس از اثر و مؤلف آن نام نبرده و بنا بر شیوه بیانی او گویی خود، در اصالت آن کتاب تردید داشته است. (احمدی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۱۰) تفرد، فقدان سند، دستیابی و جاده‌ای، ناسازگاری با سبک بیانی قرن نخست به دلیل کاربرد فراوان افعال مزید در دامنه‌ای محدود (خانی، ۱۳۸۲ش، ص ۸۳؛ پاکتچی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۱۸)، کاربرد عباراتی بی سابقه در عصر نبوی چون «المتقدس» و «العرش الذی لایتحرک»،^۵ کاربرد متأخر صورت جمع «افلاک» (پاکتچی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۸) سبب تردید در صدور نبوی این دعاست.

۴-۱-۵. روایت سهل بن سعد

برابر آن، پیامبر ﷺ در معراج از شنیدن صدای تسبیح ترسیده و جبرئیل او را آرام می‌کند: «عن سهل بن سعد قال قال رسول الله ﷺ لما أسرى بى جبريل سمعت تسبيحا فى السماوات العلى فرجف فؤادى فقال لى جبريل يا محمد تقدم ولا تخف فان اسمك مكتوب على العرش لا إله إلا الله محمد رسول الله.» (ابن منظور، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵)

ابن منظور (د. ۷۱۱) و سیوطی (د. ۹۱۱) (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۵۲) از وجود این روایت در تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر (د. ۵۷۱) خیر داده‌اند اما در تاریخ دمشق موجود دیده نمی‌شود. بنا بر شیوه ابن منظور، روایت به صورت مرسل گزارش شده است. (غلامعلی، ۱۳۸۹ش، ص ۸۸) تفرد مطلق با وجود گستردگی اخبار معراج و اهتمام بر نقل آن، تأخر مصدر و عدم اقبال محدثان پسین به آن اعتبار روایت را مخدوش می‌نماید. تناسب تعلیل جبرئیل برای آرام‌نمایی پیامبر ﷺ نیز روشن نیست.

۴-۱-۶. روایت عمر بن الخطاب

برابر متن، یهودی به اخبار تورات از درج نام پیامبر ﷺ بر عرش اقرار می‌کند: «قال العلائى

فی سورة سبحان قال عمر بن الخطاب (رض) قال النبي ﷺ ليهودى ... أما تجد فى التوراة أن اسمى مكتوب على العرش... قال اللهم نعم ... يا يهودى أما تجد فى التوراة أن مفاتيح الجنة بيدى؟ قال اللهم نعم قال ويحك يا يهودى أما تجد فى التوراة أنى أول من يقرع باب الرحمن؟ قال اللهم نعم قال ويحك يا يهودى أما تجد فى التوراة أنى أول ساجد يوم القيامة...» (صفورى، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۳۸)

تنها کتاب کشکول گونه (عواد، ۱۹۹۹م، ج ۴، ص ۳۴۰) نزهة المجالس صفورى (د.ح ۸۹۴) این روایت را گزارش کرده است. گزارش احادیث جعلی در این کتاب باعث بازستانی کرسی وعظ صفورى در جامع اموى بوده است. (ابن حمصی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۴۵) مصدر این روایت، تفسیر علائى است که احتمالاً تفسیر متأثر مجرد از سند برهان التیسیر صلاح الدین علائى (د. ۷۶۱) - محدث و مفسر شام - باشد. (پاکتچی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۵، ص ۷۱۰) تفرد مطلق با وجود انگیزه بر نقل، عدم نشر در منابع پسین، تأخر مصدر و ارسال سند در کنار ناهمگونی بشارات ادعایی متن با بشارات شناخته شده (نک: بنیامین، ۱۳۶۱ش، ص ۱۹-۲۶۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۹۲ش، ص ۵۰-۲۳۵) به اعتبار روایت آسیب می زند.

۴-۱-۷. حرز کبیر ابودجانه

حرز معروف به ابودجانه انصاری (سماک بن خرشه) املاى پیامبر ﷺ و نگارش علی ؑ است. در بخشی از آن چنین بیان شده: «... أعیذه بالله و بما استنار به الشمس و أضاء به القمر و هو مكتوب تحت العرش لا إله إلا الله محمد رسول الله ﷺ أجمعین فسيفیکهم الله و هو السميع العليم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۲۲۳)

یگانه مصدر این حرز بحار الانوار مجلسی است. (همان، ج ۹۱، ص ۲۲۰-۲۲۴) گذشته از تفرد و تأخر مصدر، توجه به سیر تحول مفهوم حرز در فرهنگ اسلامى نافی اعتبار آن است؛ زیرا در زمانه پیامبر حرز به معنای دعایی خاص برای پناه جویی از اشرار و خطرات به کار نمی رفته و صورت متنی نداشته است تا پیامبر آن را فرادهد. (خانى، ۱۳۹۰ش، ص ۷۱-۷۴).

۴-۱-۲. جمع بندى

در تراث اسلامى، هفت روایت به پیامبر اکرم ﷺ منسوب است که از کتابت نام ایشان بر

عرش خبر می‌دهد. این روایات دچار آسیب‌های متعددی چون تفرد مصدر و نقل، کاربرد تعابیر و اصطلاحات متأخر از عصر نبوی و عدم اقبال محدثان پسین در نقل و نشر آن‌هاست. بنابراین به استناد این روایات نمی‌توان رواج نگره کتابت نام پیامبر بر عرش در عصر نبوی را نتیجه گرفت. شایان توجه است بررسی فوق نافی این فضیلت برای پیامبر ﷺ نیست بلکه آشنایی مخاطبان وی با مفهوم کتابت نام ایشان بر عرش را بعید می‌داند.

۲-۴. بازیابی اخبار مشابه

در تراث اسلامی، در حد جست‌وجوی نگارنده، تک روایتی منسوب به پیامبر اکرم ﷺ مضمون اصلی روایت حاضر را منعکس می‌کند که در ادامه، اعتبار آن را می‌سنجیم. حداقل پنج خبر غیرنبوی هم گزارشگر پیرفت‌های متوالی توبه آدم با توسل به پیامبر اسلام، پرسش الهی از چگونگی آشنایی آدم و ابراز مشاهده نام نبی اکرم بر عرشیا تمام مواضع جنت است. (واقدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۱؛ ابن ابی‌الدنیا، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۱۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۴۱؛ آجری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۴۱۰؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۵)

۱-۲-۴. اعتبارسنجی روایت مشابه نبوی

روایت میسره الفجر صحابی بیانگر استشفاع آدم از پیامبر ﷺ در پی رؤیت نام او بر عرش است: «عن میسرة قال: قلت: یا رسول الله، متی کنت نبیاً؟ قال: لما خلق الله الأرض و استوی إلى السماء فسواهن سبع سماوات، وخلق العرش کتب علی ساق العرش: محمد رسول الله خاتم الأنبياء، وخلق الله الجنة التي أسكنها آدم و حواء، فكتب أسمى علی الأبواب، والأوراق، والقباب، والخيام، و آدم بین الروح و الجسد، فلما أحياه الله تعالی: نظر إلى العرش، فرأى اسمی، فأخبره الله أنه سید ولدکن فلما غرهما الشيطان، تابا و استشفعا باسمی إليه.» (ابن جوزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۷)

این حدیث برای نخستین بار در کتاب *الوفاء* [بأحوال/ فی فضائل] المصطفی ابن جوزی (د. ۵۹۷) رخ نموده است. ابن جوزی روایت را به صورت مرسل نقل کرده و در مشیخه او هم طریقی برای آن ذکر نشده است. وانگهی از مجموعه عبارات این روایت تنها دو جمله «متی کنت نبیاً؟» و «و آدم بین الروح و الجسد» در منابع متقدم قابل بازیابی

است (برای نمونه: ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۴۲) که از روایت مشهور «قلت یا رسول الله متی کنت نبیا؟ قال و آدم بین الروح و الجسد» میسره الفجر برگرفته شده است. (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰ق، ص ۱۷۹) تفرد نقل ابن جوزی، ماهیت فضیلت نگار اثر وی، تأخر و پیشه واعظانۀ او (ذهبی، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۴۲)، تصریح برخی حدیث پژوهان به فقدان ذوق و نقادانۀ محدثانۀ در او (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۳۸۲) از اعتبار این روایت می‌کاهد. همچنین وجود عبارت کامل روایت میسره در متن این روایت احتمال افزودگی و پردازش روایت کوتاه میسره را مطرح می‌کند؛ گویی فضیلت تقدم نبوت، ثبت ازلی نام پیامبر و ختم نبوت او با فضیلت مقام شفاعت پیامبر ﷺ بر آدم ادغام گردیده تا افضلیت پیامبر بر آدم را اثبات نماید. بر این اساس، بخش‌های مشترک این روایت با روایت حاضر یعنی حک نام پیامبر ﷺ بر عرش، مشاهده آن توسط آدم و استشفاع بدان جزو صورت اولیۀ روایت نبوده، نمی‌تواند تأییدی بر روایت عمر بن الخطاب و در نتیجه صدور این مفاهیم از پیامبر قلمداد شود.

۳-۴. ارزیابی متن

در اعتبارسنجی متن روایت، سازگاری نگرۀ کتابت نام پیامبر ﷺ بر عرش با زمانۀ پیامبر مورد توجه قرار گرفت. میزان بسامد مضمون اصلی روایت در تراث اسلامی نیز کاویده شد. اعتبار روایات منتسب به پیامبر ﷺ با مضمون کتابت نام ایشان بر عرش، مخدوش بوده و نمی‌تواند مستندی بر رواج این نگره در عصر نبوی باشد. از میان اخبار مشابه نیز، یک خبر منتسب به پیامبر اکرم ﷺ است که در صدور آن از پیامبر تردید جدی وجود دارد و در مقابل اخبار مؤید غیرنبوی متعدد بوده و در منابع کهن از آن‌ها یاد شده است که احتمال شیوع مضمون اصلی روایت پس از پیامبر اکرم ﷺ را قوت می‌بخشد.

۵. تبارشناسی روایت

در تبارشناسی به دنبال مهد شکل‌گیری و رواج این روایت، تعیین کنشگران مؤثر در تولید یا نشر آن و چگونگی انتقال به برخی منابع امامی هستیم. بدین منظور به بوم‌شناسی راویان و تبیین گرایش آنان می‌پردازیم.

سند طبرانی را راویان مدنی - مصری و سند ابن‌بابویه و حاکم را راویان مدنی - مصری - نیشابوری تشکیل داده‌اند. حلقۀ مشترک اسانید نیز ابوالحارث فهری مصری

است. به نظر می‌رسد روایت نام‌برده در محافل حدیثی اهل سنت مدینه شکل گرفته و در مصر رواج یافته است. با وجود این، نظر به تفرد روایت، اطلاعات محدود از حلقه مشترک، قابلیت بوم مصر در جعل حدیث (ابوزرعه رازی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۱۱) و اهمیت بوم مدینه در اعتباربخشی، نمی‌توان به خاستگاه مدنی روایت اطمینان داشت. همچنین گرایش برخی راویان به زهد و تعامل گزارشگران روایت چون طبرانی (اصفهانی، ۱۹۳۴م، ج ۲، ص ۱۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۹۵)، آجری (سلمی، ۴۲۴ق، ص ۳۲۰؛ ابن جوزی، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۳۰۴)، حاکم (سبکی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۷)، خرگوشی، بیهقی (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۱۶۴ و ۱۶۹) و ابومطیع (حافظ، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۷) با صوفیه و حضور برخی از آن‌ها در مصر به انضمام فعالیت چشمگیر صوفیان در مصر (رزق، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۰-۶۱) و تناسب مفاد قصه‌گون روایت با آموزه‌های صوفیانه می‌تواند نشانه‌های شیوع روایت توسط صوفیه مصر باشد.

در باب گزارش ابن بابویه نیز گفتنی است؛ بوم اصفهانی - نیشابوری ابن‌بطه و فعالیت صوفیه در نیشابور احتمال آشنایی وی از طریق مشایخ نیشابور را مطرح می‌کند. هرچند به دلیل ناشناختگی شیخ بی‌واسطه ابن بابویه، کتابت طبرانی در اصفهان برای او (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۲۷) و شاگردی طبرانی نزد ابن‌بطه احتمال تبدیل سند توسط ابن بابویه قابل بررسی است.

۶. نتیجه‌گیری

برخی مصادر متقدم روایت «آدم علیه السلام» و رؤیت نام پیامبر خاتم بر عرش را به‌نقل از عمر بن خطاب از رسول اکرم گزارش کرده‌اند. در نوشتار حاضر، اعتبار این روایت از حیث مصدر، سند و متن سنجیده شد. مصدر نقل روایت در منابع اهل سنت، معاجم طبرانی و در مصادر امامیه کتاب النبوة ابن بابویه است که از معیارهای حداقلی اعتبار مصدر برخوردارند. با این حال وجود راویان ناشناخته، ضعیف و رفیع در اسانید به تضعیف اسناد می‌انجامد و اشتهار عبدالرحمن بن زید به رفع و جعل طریق از پدرش به عمر، مانع اعتماد به انتساب روایت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. متن روایت نیز به دلیل عدم پشتیبانی روایات مؤید از آن و کاربست نگره متأخر کتابت نام پیامبر صلی الله علیه و آله بر عرش قابل نقد است که با توجه به وجود شواهد متعدد غیرنبوی در منابع کهن، انتساب متن روایت به پیامبر اکرم

را مخدوش می‌کند. بنابراین استناد به روایت «آدم علیه السلام» و رؤیت نام پیامبر خاتم بر عرش» به مثابه روایتی نبوی درست به نظر نمی‌رسد.

بررسی بوم و گرایش راویان موجود در اسانید روایت نیز نشان‌دهنده آن است که حلقه مشترک اسانید در مصر فعالیت داشته و کنشگران پویا در نشر آن غالباً متمایل به صوفیه یا در تعامل با آنان بوده‌اند. برابر شواهد، این روایت توسط صوفیان مصر رواج یافته و از طریق مشایخ اهل سنت نیشابوری یا اصفهانی به ابن‌بابویه رسیده است. از این رو به نظر می‌رسد روایت مورد بحث خاستگاهی سنی و تباری صوفیانه دارد و به واسطه آثار ابن‌بابویه به برخی محافل حدیثی امامیه راه یافته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در بخش اعتبارسنجی متن روایت، برخی از این روایات گزارش خواهد شد.
۲. نک: ادامه نوشتار.
۳. دسترسی به بخش قابل توجهی از منابع مورد استفاده به واسطه نرم‌افزارهای مؤسسه نور(عرفان ۳، کلام اسلامی، جامع الاحادیث ۳،۵، نورالسیره، جامع التفاسیر ۳، تراث ۲، تراجم و رجال شیعه)، مکتبه اهل بیت ۲، الجامع الکبیر ۴ و جوامع الکلم ۴،۵ بوده است.
۴. گفتنی است آشنایی آدم با پیامبر علیه السلام در عرش و پیوند آن با توسل به ایشان برای پذیرش توبه ممکن است احتمال اشتراک نوشتار حاضر با پژوهش دیگر نگارنده با عنوان «اعتبارسنجی روایت توبه آدم با توسل به پنج تن و پیوند آن با عقاید زیدیه» (راد و عطایی نظری، ۱۳۹۹ش) را به ذهن آورد؛ اگرچه روش اعتبارسنجی روایات در هر دو نوشتار، روش مرسوم نقد حدیث در سنت اسلامی است، روایات بررسی شده در هر دو نوشتار متمایز از یکدیگرند؛ زیرا روایت مورد بررسی در مقاله نام‌برده از توسل آدم علیه السلام به پیامبر علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام او زیر عنوان «پنج تن» خبر می‌دهد و خاستگاهی زیدی دارد اما روایت محوری در نوشتار حاضر در منابع فریقین گزارش شده و توسل آدم را منحصر در پیامبر اکرم علیه السلام و پیامد آشنایی با مقام ایشان در عرش می‌داند. به عبارتی نوشتار پیش رو میزان اعتبار روایتی کاملاً مستقل با مصدر، اسانید و متنی دیگرسان را می‌سنجد و به اقتضای آن محتوا و نتایج متفاوتی ارائه می‌دهد.
۵. عرش الذی لایتحرک در سخنان پیامبر یک بار در نامه‌ای به فردی نام‌علوم از مصدری متأخر و متفرد به صورت مرسل گزارش شده (حمیدالله، ۱۴۰۷ق، ص ۵۷۰) و در اقوال صحابه بی‌سابقه است.

سیاسگزاری

از همفکری و همراهی اساتید بزرگوار دکتر علی راد و دکتر روح‌الله شهیدی و همچنین فاضل ارجمند جناب آقای محمداقبر ملکیان سپاسگزارم.

منابع

۱. آجری، محمد بن حسین، الشریعه، تحقیق عبدالله بن عمر الدمیجی، ریاض: دار الوطن، ۱۴۱۸ق.
۲. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، هذه مفاهیمنا: رد علی کتاب مفاهیم يجب ان تصحح لمحمد بن علوی المالکی، قاهره: دار الهدایه، ۲۰۰۹م.
۳. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، السنة، تحقیق محمدناصرالدین الالبانی، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۰ق.
۴. ابن ابی الدنیا، عبدالله بن محمد، الاشراف فی منازل الاشراف، تحقیق نجم عبدالرحمن خلف، ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، الجرح و التعذیل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۱ق.
۶. ابن‌الفضل التیمی، اسماعیل بن محمد، الحججة فی بیان المحجة و شرح عقیده اهل السنة، تحقیق محمد بن ربیع عمیر المدخلی، ج ۲، ریاض: دار الراه، ۱۴۱۹ق.
۷. ابن‌الملقن، عمر بن علی، طبقات الاولیاء، تحقیق مصطفی عبدالقادرعطا، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۸. ابن‌بابویه، محمد بن علی، التوحید، تحقیق هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ق.
۹. _____، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۱۰. _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۱۱. _____، کتاب النبوه، جمعه مؤسسه الضحی الثقافی، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی مؤسسه الطباعة والنشر، ۱۳۸۱ش.
۱۲. _____، عیون اخبارالرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۳. _____، فضائل الشیعه، تهران: علمی، بی تا.
۱۴. _____، کتاب من لایحضر الفقیه، علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. ابن‌باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی العلامة عبدالعزیز بن باز، أشرف علی جمعه محمد بن سعد الشویعر، بی جا: دار القاسم، بی تا.
۱۶. ابن تیمیه، احمد عبدالحلیم، الاستغاثه فی الرد علی البکری، تحقیق عبدالله بن دجین السهلی، ریاض:

۳۰ □ دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مکتبه دارالمنهاج، ۱۴۲۶ق.

۱۷. ———، *التوسل و الوسيلة*، تحقیق زهیر الشاویش، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۳۹۰ق.
۱۸. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، *صفة الصفوة*، تحقیق محمود فاخوری و محمد رواس قلعه‌جی، ج ۲، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۹۹ق.
۱۹. ———، *الوفا باحوال المصطفى*، تحقیق محمد زهری النجار، ریاض: المکتبة السعدیه، بی تا.
۲۰. ابن حجر، احمد بن علی، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ق.
۲۱. ابن حمصی، احمد بن محمد، *حوادث الزمان و وفیات الشیوخ و الاقران*، تحقیق عبدالعزیز فیاض حرفوش، بیروت: دار النفایس، ۱۴۲۱ق.
۲۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، *العلل و معرفة الرجال للامام أحمد بن حنبل*، تحقیق وصی الله بن محمد عباس، ریاض: دارالخانی، ۱۴۰۸ق.
۲۳. ابن خزیمه، محمد بن اسحاق، *صحیح ابن خزیمه*، تحقیق محمد مصطفی الأعظمی، ج ۲، بی جا: المکتب الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۴. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۲۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *الاقبال بالأعمال الحسنه*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۲۶. ———، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، تحقیق ابوطالب کرمانی و محمدحسن محرر، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۷. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد، *العقد الفريد*، تحقیق مفیدمحمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۲۸. ابن عبدالوهاب، سلیمان بن عبدالله بن محمد، *التیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید*، تحقیق محمد ایمن الشراوی، بیروت: عالم الکتب، ۱۹۹۹م.
۲۹. ابن عبدالهادی، محمد بن احمد، *الصارم المنکی فی الرد علی السبکی*، تحقیق اسماعیل بن محمد انصاری، بی جا: مکتبه النوعیه الاسلامیه، بی تا.
۳۰. ابن عراق الکنانی، علی بن محمد، *تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة الموضوعه*، تحقیق عبدالله بن الصدیق الغماری و عبدالوهاب عبداللطیف، مصر: مکتبه القاہره، بی تا.
۳۱. ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمائل أو اجتاز بنواحيها من واردیها و أهلها*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۳۲. ابن عقده، ابوالعباس احمد بن محمد، *فضائل امیرالمؤمنین*، جمعه عبدالرزاق محمدحسین فیض الدین، بی جا: بی نا، بی تا.

۳۳. ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة و النهایة*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳۴. ابن مقفع، عبدالله، *کلیله و دمنه*، بیروت: دار القلم، بی تا.
۳۵. ابن منده، ابو عبدالله محمد بن اسحاق، *جزء ترجمة الطبرانی*، بی جا: بی تا.
۳۶. ابن منده، محمد بن اسحاق، *فتح الباب فی الکنی و الالقاب*، تحقیق ابوقتیبه نظر محمد الفاریابی، ریاض: مکتبه الکوثر، ۱۴۱۷ق.
۳۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، *مختصر تاریخ دمشق*، بی جا: بی تا.
۳۸. ابن نعوی، ابو عبدالله خلدون بن محمود، *التوضیح الرشید فی شرح التوحید المذیل بالتنقید لشبهات العنید*، بی جا: بی تا.
۳۹. ابن یونس، عبدالرحمن بن احمد، *تاریخ ابن یونس الصدفی*، تحقیق عبدالفتاح فتحی عبدالفتاح، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۴۰. ابن حبان، محمد، *المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین*، بی جا: بی تا.
۴۱. ابن حجر، احمد بن علی، *لسان المیزان*، ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ق.
۴۲. ابن حجر المکی، احمد، *الجواهر المنظم فی زیارة القبر الشریف النبوی المکرم*، تحقیق محمد زینهم، قاهره: مکتبه مدبولی، ۲۰۰۰م.
۴۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴۴. _____، *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین منهم قادیما و حدیثا*، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.
۴۵. ابو عزیز، سعد یوسف محمود، *الاسرائیلیات والموضوعات فی کتب التفاسیر قادیما و جدیدا*، قاهره: مکتبه التوفیقیه، بی تا.
۴۶. ابوزرعہ رازی، عبیدالله بن عبدالکریم، *الضعفاء و اجوبة الرازی علی سؤالات البرذعی*، تحقیق سعدی الهاشمی، ج ۲، منصوره: دار الوفاء، ۱۴۰۹ق.
۴۷. ابوطالب مکی، محمد بن علی، *قوت القلوب فی معاملة المحبوب*، تحقیق باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۴۸. _____، *علم القلوب*، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۴۹. ابومطیع مصری، محمد بن عبدالواحد، *جزءان من امالی ابی مطیع المصری*، مخطوط نشر فی برنامج جوامع الكلم.
۵۰. احمدی، مهدی، «اعتبار دعاهاى ابن طاووس از نگاه او»، *علوم حدیث*، شماره ۴۹ و ۵۰، ۱۳۸۷ش. ص ۱۸۹-۲۱۶.
۵۱. اسماعیلی یزدی، عباس، *ینابیع الحکمه*، ج ۵، قم: مسجد جمکران، ۱۴۲۸ق.
۵۲. اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله، *معرفة الصحابه*، تحقیق محمد حسن اسماعیل شافعی و مسعد

- عبدالحمید سعدنی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۵۳. _____، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، تحقیق محمدرضا شفیعی کدکنی، قاهره: دار ام القراء للطباعة والنشر، بی تا.
۵۴. _____، *ذکر اخبار اصبهان*، لیدن: بریل، ۱۹۳۴م.
۵۵. امین، محسن، *کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب*، تحقیق حسن امین، ج ۲، قم: مکتبه الحرمین، ۱۳۸۲ق.
۵۶. انصاری، حسن، *تشیع امامی در بستر تحول*، تهران: ماهی، ۱۳۹۵ش.
۵۷. البانی، محمدناصرالدین، *سلسله الاحادیث الضعیفه و الموضوعه و اثرها السیئی فی الامه*، ریاض: مکتبه المعارف، ۱۴۱۲ق.
۵۸. بخیت الحنفی، محمد، *تطهیر الفوائد من دنس الاعتقاد*، استانبول: مکتبه اشیق، ۱۳۹۷ق.
۵۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تحقیق جلال الدین محدث، ج ۲، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۶۰. بسام، مرتضی، *زیده المقال من معجم الرجال*، بیروت: دار المحججه البیضاء، ۱۴۲۶ق.
۶۱. بغدادی، ابوالقاسم الجنید بن محمد، *رسائل الجنید*، تحقیق جمال رجب سیدی، دمشق: دار اقرأ للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ق.
۶۲. بقلی شیرازی، روزبهان، *مشرب الارواح*، تحقیق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۶۳. بنیامین، داود، *محمد در تورات و انجیل*، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: نشر نو، ۱۳۶۱ش.
۶۴. بیهقی، احمد بن الحسین، *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه*، تحقیق عبدالمعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۶۵. پاکتچی، احمد، «اندیشه هفت اقلیم و ارزیابی یادکردهای آن در احادیث»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۶۵ و ۶۶، ۱۳۸۶ش، ص ۱۷-۴۲.
۶۶. _____، *مدخل «تفسیر» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۶۷. _____، *نقد متن*، تنظیم صالح زارعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ش.
۶۸. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
۶۹. صادقی تهرانی، محمد، *التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم*، قم: مکتبه محمد الصادقی التهرانی، بی تا.
۷۰. _____، *بشارات عهدین*، قم: شکرانه، ۱۳۹۲ش.
۷۱. حافظ، محمد مطیع، *الفتح المبین فی المشیخه البلدانیه للامام الحافظ ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد المقدسی الحنبلی*، دمشق: دار البشائر، ۱۴۲۷ق.

۷۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۷۳. ———، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسن خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه، ۱۳۷۵ش.
۷۴. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۷۵. حسینی میلانی، علی، جواهر الکلام فی معرفة الامامه و الامام، قم: مرکز الحقائق الاسلامیه، ۱۳۸۹ش.
۷۶. حسینی، احمدسایح، نشر الاعطار و نشر الازهار فی نجاه آباء النبی الاطهار، تحقیق بسام محمد بارود، قاهره: دار جوامع الكلم، بی تا.
۷۷. حصنی دمشقی، ابوبکر بن محمد، دفع الشبه عن الرسول و الرساله، تحقیق جماعه من العلماء، ج ۲، قاهره: دار إحياء الكتاب العربی، ۱۴۱۸ق.
۷۸. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۷۹. حمیدالله، محمد، الوثائق السیاسیه للعهد النبوی و الخلفه الراشده، ج ۶، بیروت: دار النفائس، ۱۴۰۷ق.
۸۰. خانی، حامد، «سیر تحول مفهوم حرز در فرهنگ اسلامی»، پژوهشنامه تمدن اسلامی، سال چهل و چهارم، شماره ۱، ۱۳۹۰ش، ص ۶۵-۸۴.
۸۱. ———، هویت و انتساب صحیفه سجادیه با تکیه بر شاخصه های متن، پایان نامه کارشناسی ارشد، راهنمایی احمد پاکتچی، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۲ش.
۸۲. ختلی، ابوالقاسم اسحاق بن ابراهیم، نوادر الرسائل کتاب الدیاج، تحقیق ابراهیم صالح، دمشق: دار البشائر، ۱۹۹۴م.
۸۳. خرگوشی، ابوسعید عبدالملک بن محمد، مناحل الشفا و مناهل الصفا بتحقیق کتاب شرف المصطفی، تحقیق نبیل بن هاشم الغمری، مکه: دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۸۴. ———، تهذیب الاسرار فی أصول التصوف، تحقیق سید محمدعلی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۸۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۸۶. خطیب الشربینی، محمد، معنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۸۷. خفاجی، احمد بن محمد، نسیم الرياض فی شرح شفاء القاضی عیاض، تصحیح محمدعبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۸۸. خلال، ابومحمد الحسن بن علی، المجالس العشره، بی جا: بی نا، بی تا.

۳۴ □ دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۸۹. دارقطنی، علی بن عمر، *العلل الواردة فی الاحادیث النبویة*، تحقیق محفوظ الرحمن زین الله السلفی، ریاض: دار طیبه، ۱۴۰۵ق.
۹۰. دمشقیه، عبدالرحمن محمد سعید، *احادیث یحتج بها الشیعه*، بی جا: موقع العرفان، بی تا.
۹۱. دیار بکری، حسین بن محمد بن حسن، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس*، بیروت: دار صادر، بی تا.
۹۲. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۹۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۹۴. —، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۷، بیروت: الرساله، ۱۴۱۳ق.
۹۵. —، *المغنی فی الضعفاء*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۹۶. —، *تذکره الحفاظ*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۹۷. —، *میزان الاعتدال*، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
۹۸. راد، علی، «قرآن و آموزه تفضیل پیامبران؛ اسلوب، زمینه ها و ماهیت»، *قرآن شناخت*، شماره ۲۱، ۱۳۹۷ش، ص ۲۱-۴۰.
۹۹. راد، علی و عطایی نظری، پریسا، «اعتبارسنجی روایت توبه آدم عليه السلام با توسل به پنج تن و پیوند آن با عقاید زیدیه»، *مطالعات فهم حدیث*، سال هفتم، شماره ۱۳، ۱۳۹۹ش.
۱۰۰. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، *قصص الانبیاء*، تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۹ق [الف].
۱۰۱. —، *الخرائج و الجرائح*، تحقیق مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۹ق [ب].
۱۰۲. رزق، عاصم محمد، *خاتقاوات الصوفیة فی مصر فی العصرین الایوبی و المملوکی*، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۴۱۷ق.
۱۰۳. رشیدرضا، محمد، *مجلة المنار*، مصر: بی نا، ۱۳۵۰ق.
۱۰۴. رضوان صالح، محمد احمد، *الحافظ الطبرانی و جهوده فی خدمه السنة النبویه*، ریاض: دار الشریف، ۱۴۱۹ق.
۱۰۵. رفاعی، محمدنسیب، *التوصل الی حقیقة التوسل*، ج ۳، حلب: مؤسسه الدعوة السلفیه، ۱۳۹۹ق.
۱۰۶. سبحانی، جعفر، *آیین و هابیت*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ش.
۱۰۷. —، *بحوث فی الملل و النحل*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی: مؤسسه الامام الصادق عليه السلام، بی تا.
۱۰۸. —، *مفاهیم القرآن*، ج ۴، قم: مؤسسه الامام الصادق عليه السلام، ۱۴۲۱ق.

۱۰۹. سزبان پور، وحید، «تأثیر ترجمه عربی کلیلہ و دمنہ بر ادب عربی»، معارف، شماره ۶۴ و ۶۵، ۱۳۸۵ ش.
۱۱۰. سبکی، عبدالوهاب بن علی، *طبقات الشافعية الكبرى*، تحقیق محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو، قاهره: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
۱۱۱. سبکی، تقی الدین، *شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام*، تحقیق محمدرضا الحسینی الجلالی، چ ۴، بی جا: بی نا، ۱۴۱۹ ق.
۱۱۲. سزگین، فؤاد، *تاریخ التراث العربی*، ترجمه محمود فهمی حجازی و دیگران، چ ۲، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۲ ق.
۱۱۳. سلطانیان، کیهان، خاکپور، رحیم و حاجی، حمزه، «بررسی روی کرد حاکم نیشابوری در تصحیح و تضعیف احادیث با تکیه بر روایات المستدرک علی الصحیحین»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره ۴۴، ۱۳۹۸ ش، ص ۹۹-۱۳۵.
۱۱۴. سلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین، *مجموعه آثار السلمی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.
۱۱۵. —، *طبقات الصوفیه*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چ ۲، بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۱۱۶. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، تحقیق عمر عمروی، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۶ ق.
۱۱۷. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، *الانساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی، حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ق.
۱۱۸. سمهودی، أبو الحسن علی بن عبد الله، *وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی*، بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۱۱۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *جامع الاحادیث*، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۲۰. —، *مناهل الصفا فی تخریج احادیث الشفا*، تحقیق سمیر القاضی، بیروت: دار الجنان و مؤسسة الكتب الثقافیه، ۱۴۰۸ ق.
۱۲۱. —، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۲۲. شرف الدین، عبدالحسین، *موسوعة الامام شرف الدین*، تحقیق مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه، بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۳۱ ق.
۱۲۳. شوشتری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم، چ ۲، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۳۶ □ دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۱۲۴. صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، تحقیق هلموت ریتز، ج ۲، بیروت: دار النشر فرانز شتاينر، ۱۴۰۱ق.

۱۲۵. صفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام، نزهة المجالس و منتخب النفايس، تحقیق محمدعلی عبدالوارث، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۱۲۶. صواف، ابوعلی حسن بن حسین، فوائد ابی علی الصواف، بی جا: بی نا، بی تا.

۱۲۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

۱۲۸. طباطبایی، محمدکاظم، منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ش.

۱۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، تحقیق قسم التحقیق بدار الحرمین، بی جا: دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.

۱۳۰. ———، المعجم الصغیر، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.

۱۳۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ج ۴، قم: الشریف المرتضی، ۱۴۱۲ق.

۱۳۲. طوسی، محمدبن حسن، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.

۱۳۳. ———، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ش.

۱۳۴. عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء الکبیر، ج ۲، بیروت: دار الکتب، ۱۴۱۸ق.

۱۳۵. عواد، کورکیس، الذخائر الشرقیه، تحقیق عطیه جلیل، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۹م.

۱۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.

۱۳۷. غلامعلی، مهدی، «سیطره سبک مناقب نگاری در سده ششم و هفتم هجری» در مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۱ش.

۱۳۸. ———، «سبک شناسی کتاب مختصر تاریخ دمشق»، حدیث اندیشه، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۹ش.

۱۳۹. قاضی عیاض، ابی الفضل عیاض بن موسی، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.

۱۴۰. قزوینی، محمد، یادداشت های قزوینی به کوشش ایرج افشار، ج ۳، تهران: علمی، ۱۳۶۳ش.

۱۴۱. قسطلانی، احمد بن محمد، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، تحقیق صالح احمد الشامی، ج ۲، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۲۵ق.

۱۴۲. قضاعی العزازی، سلامه، فرقان القرآن بین صفات الخالق و صفات الاکوان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۴۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۴۵. مالکی، محمد بن علوی، مفاهیم يجب ان تصحح، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
۱۴۶. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محیی الدین و محمدرضا مامقانی، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۳۱ق.
۱۴۷. مجتبابی، فتح الله، مدخل «ابوطالب مکی» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۴۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق جمعی از محققان، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴۹. محمدجعفری، رسول و اوحدی، مرتضی، «بررسی و نقد شبهات وارده بر وثاقت و مرویات شیخ صدوق»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۳۶، ۱۳۹۶ش، ص ۱۴۱-۱۶۸.
۱۵۰. مزی، أبی الحجاج یوسف، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، تحقیق بشار عواد معروف، ج ۴، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق.
۱۵۱. مقدسی، عبدالغنی بن عبد الواحد بن علی، جزء احادیث الشعر، تحقیق إحسان عبدالمنان الجبالی، اردن: المكتبة الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۱۵۲. ممدوح، محمود سعید، رفع المنارة لتخريج أحاديث التوسل والزيارة، اردن: دار الامام النووی، ۱۴۱۶ق.
۱۵۳. منصوری، ابی الطیب نایف بن صلاح بن علی، ارشاد القاصی و الدانی الی تراجم شیوخ الطبرانی، ریاض: دار الکیان، ۱۴۲۷ق.
۱۵۴. موسوی بروجردی، سید حسن، «بین الصدوق و القطب الراوندی دراسة فی کتابیهما(النبوة) و(قصص الانبیاء)»، تراثنا، شماره ۱ و ۲، ۱۴۳۰ق.
۱۵۵. مؤدب، رضا و ستار، حسین، «بررسی نقش روایات مشترک در اخبار منتقله (مطالعه موردی: جعابی از مشایخ صدوق)»، دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی، شماره ۱۱، ۱۳۹۳ش، ص ۲۰۷-۲۳۸.
۱۵۶. میدی، رشیدالدین احمد بن محمد، کشف الاسرار و علة الابرار، ج ۵، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۱۵۷. میرحسینی، یحیی، الگوهای گفتمانی تصرف در حدیث نزد قصاص، پایان نامه دکتری، استاد راهنما: احمد پاکتچی، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴ش.
۱۵۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق موسی شبیری زنجانی، ج ۶، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۵۹. نخبه من العلماء، اصول الايمان فی ضوء الكتاب و السنه، مدینه: مجمع الملك فهد، ۱۴۲۱ق.
۱۶۰. نقوی قاینی، محمدتقی، مفتاح السعادة فی شرح نهج البلاغه، تهران: المؤلف، بی تا.

۳۸ □ دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۱۶۱. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران: فرزند مؤلف، ۱۴۱۴ق.

۱۶۲. واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر، فتوح الشام، بیروت: دار الجیل، بی تا.